

همسر نمی خواست آشتی کند او را سوزاندم

23 دی 1402

مرد کینه‌جو که در اقدامی هولناک با اسیدپاشی روی همسر سابقش او و دختر چهار ساله‌شان را سوزانده بود، در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

اسفند سال گذشته گزارش اسیدپاشی به یک زن جوان و دختر چهار ساله‌اش در شرق تهران به پلیس اعلام شد. پس از آن مأموران به محل اعلام‌شده که در نزدیکی یک مهدکودک در خیابان رسالت بود رفتند و مشخص شد که مردی پس از پاشیدن اسید روی زن جوان و دخترش متواری شده است. شواهد اولیه حاکی از آن بود که هر دو قربانی از ناحیه سر و صورت دچار سوختگی شدید شده و بلافاصله به بیمارستان منتقل شده‌اند.

زن جوان پس از درمان اولیه به مأموران گفت: اسیدپاشی کار همسر سابقم بود و از او شکایت دارم. بررسی‌های مأموران نشان می‌داد زن جوان دختری از پزشکان سرشناس تهران است و در روز حادثه قصد داشته پس از تحویل گرفتن فرزندش از مهدکودک به خانه برگردد اما او و دخترش، قربانی اسیدپاشی شده‌اند.

با اظهارات زن جوان پلیس توانست متهم را ردیابی و بازداشت کند. وی در همان بازجویی‌های اولیه به اسیدپاشی اعتراف کرد و گفت: من همسر را دوست داشتم و می‌خواستم که دوباره با من زندگی کند اما او راضی نمی‌شد من قصد نداشتم به دخترم آسیب بزنم ناخواسته اسید روی او ریخت و الان هم بشدت پشیمانم.

پس از اعتراف صریح متهم و بازسازی صحنه جرم و تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه 10 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت

دکتر کبری درویش پیشه
مرکز مشاوره
حال خوب
ازدواج ، طلاق ، خانواده ، تحصیلی
قزوین ، خیابان شهید بابایی، مقابل دادگستری قزوین
۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸
باتعین وقت قبلی ۰۲۸۳۳۶۷۲۷۵۰

در ابتدای رسیدگی به این پرونده زن جوان که آثار سوختگی روی صورت و چشمانش نمایان بود به جایگاه رفت و گفت: من 12 سال با این مرد زندگی کردم اما به این نتیجه رسیدم که دیگر امکان ادامه

زندگی با او را ندارم چراکه همسر من معتاد شده بود و هم بیکار و نمی‌خواست خودش را اصلاح کند. در نهایت هم حدود 7 ماه قبل از اسیدپاشی در ازای بخشیدن مهریه و نفقه‌ام دخترم را گرفتم و به خانه پدرم رفتم. اما بعد از چند روز که از جدایی‌مان گذشته بود او با من تماس گرفت و خواست تا دوباره باهم زندگی کنیم. از آنجایی که می‌دانستم دست از کارهایش برنمی‌دارد گفتم که دیگر نمی‌توانیم باهم باشیم و تلفن را قطع کردم. اما دست از سرم

بر نمی‌داشت و مدام پیام می‌فرستاد و از من می‌خواست تا باهم زندگی کنیم. وقتی دیدم مزاحمت‌هایش تمامی ندارد شماره تلفنم را عوض کردم اما او از من کینه به دل گرفت.

روز حادثه به مهدکودک رفتم و دخترم را تحویل گرفتم. در حال رفتن به خانه پدرم بودیم که به یکباره همسر سابقم سر راهمان سبز شد و ظرف اسید را روی صورتم پاشید. همان موقع دخترم که ترسیده بود خودش را به آغوش من انداخت که بخشی از صورت او هم سوخت. در یک لحظه دنیا برایم تیره و تار شد، او فرار کرد و من و دخترم سوختیم.

زن جوان گفت: از آن روز تا حالا چندین مرتبه صورت و چشمم را عمل کردم اما چشم راستم بشدت آسیب دیده و فقط 30 درصد بینایی دارد. پلک بالا و پایین چشم راستم کاملاً از بین رفته و چشمم از حلقه بیرون زده بود. نمی‌توانستم چشمم را ببندم و حتی برای لحظه‌ای بخوابم. بعد از عمل‌های بسیار هنوز هم مشکلات زیادی دارم. من شب و روزهای سختی را گذراندم و به همین دلیل حاضر به گذشت نیستم. دخترم هم علاوه‌بر سوختگی صورتش به لحاظ روانی آسیب دیده و هنوز با ترس و وحشت زندگی می‌کند. به همین دلیل به‌هیچ عنوان رضایت نمی‌دهم و از قضاات می‌خواهم او را به اشد مجازات محکوم کنند. از آنجا که هزینه زیادی هم برای عمل‌هایم متحمل شده‌ام و همچنان درمانم ادامه دارد تقاضای دریافت دیه دارم.

بعد از اظهارات شاکی، متهم به جایگاه رفت و گفت: من عاشق همسرم بودم نمی‌توانستم نبودش را تحمل کنم و حاضر نبودم به هیچ قیمتی او را از دست بدهم. من اشتباه کردم حالا هم از او و دخترم می‌خواهم من را ببخشند. من روی دخترم اسید نریختم او خودش سمت مادرش دوید و صورتش آسیب دید.

قاضی از شاکی درباره این ادعای متهم سؤال کرد که زن جوان با تأیید آن گفت: همسر سابقم نمی‌خواست دخترمان را بسوزاند هدفش من بودم و اسید ناخواسته روی صورت دخترمان پاشیده شد. با پایان اظهارات شاکی قضاات برای صدور رأی وارد شور شدند.

*ایران